

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله محتار زاده

اسن المان

قلم به داستان

ای قلم به دست بر خیز، سیر چرخ دوران کن
پرده ها همه بر در، جنتی نمایان کن
بغض و کینه و جنگ و، قتل و غارت و بیداد
با محبت و الفت، جمله را گریزان کن
توپ و تانک و خمپاره، راکت و بم و هاوان
یک یکی به دور افکن، این جهان گلستان کن
شیخ و حاجی و قاضی، طالب و چلی، ملا
با شمول خرنوال، تا ابد به زندان کن
ریش و پشم و لنگی را، با پکول و با پیزار
سوز و زیور عفت، زینت هر انسان کن
اشک چشم معصومان، آه سرد مظلومان
سپیل و آتش و طوفان، ظالمان هراسان کن
خون دیده مادر، درد و ماتم فرزند
داغ سینه بابا، هم دوا و درمان کن
هر کجا اگر جوری، یا اگر بود بیداد
کاخ ظلم و استبداد، بارقیمه ویران کن
گر شکسته اقلامت، یا نباشدت، رنگی
ناوکی ز مژگان گیر، خون ما به قربان کن
پاره کاغذی هرگز، برگ خشکی نه، نه، نه
صفحه دلم حاضر، درد دل نمایان کن

ترکِ ارثِ آبا کن ، خود ، خوده سرِ پا کن
انتخابِ یک راه کن ، نوشِ آبِ حیوان کن
جستجو حقیقت کن ، ترکِ هر طریقت کن
کسبِ هر فضیلت کن ، خانه ها چراغان کن
بر تساوی بی انسان ، از رجال و هم نسوان
هر قدر که بتوانی ، خدمت از دل و جان کن
این تعصبِ دین و ، قومی و زبانی را
با تفاوت جنسی ، یک یکی به نسیان کن
مرز و سرحدش بشکن ، این زمینِ خاکی را
یک وطن شود عالم ، ترکِ جمله حیطان کن
یک زبانِ واحد را ، بر همه پیاموزان
هرکس هر کجا باشد ، مشکلاتش آسان کن
بر جهان بشارت ده ، این پیامی از حق ده
مژده های (وحدت) ده ، پس وفا به پیمان کن
ریشهٔ محبت را ، شاخهٔ مودت را
غنچه های الفت را ، زیبِ هر گلستان کن
در نهایتِ روح و ، در نهایتِ ریحان
خویشی با همه قوم و ، با جمیع ادیان کن
گر کسی زند زخمی ، یادهد ترا زهری
مرهمی به زخمش نه ، شهد ده و شکران کن
هرسیاه و سرخ و زرد ، هر نژاد و مرد و زن
جمله را یکی بنگر ، ترکِ جنس و الوان کن
در زمینِ لامزروع ، شوره زارِ دلها را
تخمی از وفا پاشان ، عاقبت ، گل افشان کن
سوزنِ محبت گیر ، تارِ عشق ازان در کن
پارهٔ دل « نعمت » پینه کرده شایان کن

ای قلم به دست بر خیز ، سیرِ چرخِ دوران کن
پرده ها همه بر در ، جنتی نمایان کن